

بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان، نمونه موردی: محله نظامیه تهران

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۶/۳۱

خشایار کاشانی جو* - سارا هرزندی** - ایل ناز فتح‌العلمی***

چکیده

امروزه، کمیت و کیفیت فضاهای شهری به یکی از مهم‌ترین سنجه‌های توسعه‌یافتگی و قابلیت زندگی در شهرها بدل شده است. فضاهای شهری یا عرصه‌های عمومی نمایانگر پویایی زندگی شهری و اساس و بنیان دانش - حرفه طراحی شهری هستند. فضاهای عمومی شهری بیشتر از آنکه دارای نقشی کالبدی باشند به دلیل ایجاد تعاملات اجتماعی میان شهروندان واجد اهمیت هستند و باید بتوانند زمینه حضور تمامی افراد جامعه به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیرتر همچون کودکان را فراهم نمایند. از سویی دیگر، توجه به خواسته‌ها و نیازهای کودکان در طراحی قلمروهای عمومی از آن رو که این گروه سنی دارای بیشترین تأثیرپذیری و بالاترین میزان استفاده از فضاهای شهری می‌باشند، از ضرورتی دوجندان برخوردار است. تحقیق حاضر به منظور ارزیابی معیارهای مطلوبیت فضاهای عمومی شهری در نزد کودکان ۷-۱۱ ساله به روش مطالعه اسنادی با استفاده از مهم‌ترین منابع و مطالعه میدانی با راهکاری ترکیبی؛ ثبت نقاشی‌های کودکان، مصاحبه و مشاهده غیررسمی در محله نظامیه تهران انجام گرفته است. بدین منظور پس از تبیین مفهوم و عوامل مطلوبیت فضای شهری و ویژگی‌ها و توانایی‌های کودکان در سنین مختلف، اهمیت و روش‌های مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری بر اساس آرای صاحب‌نظران گوناگون تدوین و جمع‌بندی گردیده و سپس با استفاده از روش بداهه‌سازی، دیدگاه‌های مختلف ابرازشده توسط کودکان در نمونه مطالعاتی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که عوامل مطلوبیت فضا ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران با فراوانی تقریباً مشابهی از سوی کودکان نیز تأییدشده و مواردی چون امنیت، فضای سبز، هوای پاک و سرزندگی، مهم‌ترین معیارهای فضاهای شهری باکیفیت را از نظر کودکان شکل می‌دهند.

واژگان کلیدی: فضای عمومی شهری، مشارکت کودکان، مکان مطلوب، بداهه‌سازی.

* استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران.

** کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

*** کارشناسی ارشد معماری، دانشکده عمران و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

امروزه فضاهای شهری منحصر به جنبه کالبدی نبوده و در رابطه با رفتارهای استفاده‌کنندگان از آن فضاها بررسی می‌گردند. از آنجایی که جمع قابل‌ملاحظه‌ای از کودکان جهان در نواحی شهری زندگی می‌کنند، حق دارند در مسائل مربوط به خود اظهارنظر کنند. آنان در سایه مشارکت می‌توانند استعدادهای خود را با حضور در ساخت زندگی اجتماعی‌شان بارور سازند. امروزه، هم بر افزایش کیفیت عرصه‌های عمومی شهری و هم بر مشارکت همه گروه‌های اجتماعی در این زمینه به شدت تاکید می‌شود. اما در عین حال، مطالعاتی که به ارزیابی دیدگاه‌های کودکان به عنوان آینده‌سازان جامعه در راستای طراحی فضاهای شهری پرداخته باشد، کمتر انجام گرفته است. هدف از این پژوهش، تدوین معیارهای مطلوبیت فضاهای شهری از دیدگاه کودکان و در عین حال بررسی ضرورت و چگونگی دخیل کردن کودکان در فرآیند طراحی فضاهای شهری است. در این پژوهش فرض بر این است که دخیل کردن کودکان می‌تواند به دستیابی به معیارهای مطلوب برای طراحی فضای شهری منتهی گردد. در این راستا این پرسش‌ها مطرح می‌گردد: ضرورت مشارکت دادن کودکان در طراحی فضای شهری چیست؟ و چگونه می‌توان کودکان را در فرآیند طراحی فضای شهری دخیل کرد؟

بر این اساس، در فرآیند این تحقیق پس از بررسی مبانی نظری مرتبط با مفاهیم و عوامل مطلوبیت فضای شهری و ضرورت و چگونگی مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری، عوامل تأثیرگذار بر مطلوبیت فضای شهری از دید کودکان مبتنی بر یک مطالعه موردی میدانی، به کمک نقاشی کودکان و مصاحبه غیررسمی با آنان در رابطه با موضوع نقاشی، تحلیل گردیده و در نهایت، برآیند ارزیابی تطبیقی دیدگاه‌های کودکان و صاحب‌نظران ارائه شده است.

۱. روش پژوهش

در این پژوهش، در بخش مبانی نظری از روش مطالعه اسنادی شامل بررسی سوابق موجود پژوهشی در ایران و جهان، نظریات اندیشمندان مطرح در این زمینه و نیز بیانییه‌های ارائه‌شده از طرف سازمان‌های مرتبط جهانی (یونسکو و یونیسف) بهره گرفته شده است. همچنین، جهت بررسی نمونه، روش مطالعه میدانی، دربرگیرنده فرآیندی ترکیبی شامل مصاحبه غیررسمی با کودکان ساکن و استفاده‌کننده از محله، مشاهده غیررسمی و ثبت نقاشی‌های کودکان، به کار گرفته شده است. این تحقیق، پژوهشی کاربردی است که ابزار گردآوری اطلاعات شامل مشاهده میدانی، نقاشی کودکان و بررسی منابع مکتوب است. جامعه آماری شامل کودکان ساکن در محله نظامیه بین سنین ۷ تا ۱۱ سال تمام است. نمونه‌گیری نیز به روش تصادفی طبقه‌بندی شده انجام شده و حجم نمونه ۵۰ نفر شامل ۲۵ کودک دختر و ۲۵ کودک پسر است. در این تحقیق، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده از روش‌های توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای و برای تحلیل نقاشی کودکان از روش «بداهه‌سازی» استفاده شده است. در فرهنگ لغت آکسفورد، بداهه عبارت از: انجام یا بیان کار و مطلبی بدون مقدمه و آمادگی قبلی است که معادل کشف و وانمایی در لحظه و بدون اندیشه قبلی است. تعریف ساده و موجز بداهه‌سازی از نظر پژوهش‌گری چون راجردین؛ عبارت است از دریافت مفهوم و اجرا و یا خلق یک اثر در یک زمان واحد (Fadavi & Hashemi, 2009, p. 110). در این روش آنچه که کودکان آزادانه ترسیم کرده‌اند مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم فضای شهری و عوامل مطلوبیت آن

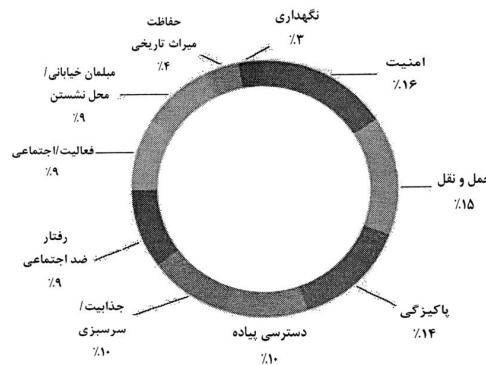
فضاهای شهری یا عرصه‌های عمومی^۱ مکان اصلی زندگی اجتماعی شهروندان و اساس و بنیان دانش-حرفه طراحی شهری هستند. از این‌رو از اهمیت بسزایی در پویایی محیطی و حیات مدنی برخوردار هستند. برای فضای شهری تعاریف مختلفی ارائه گردیده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها در زیر اشاره شده است:

- * فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند (Pakzad, 2005, p. 5).
- * فضا و مکان عمومی به این خاطر عمومی است که همه حق دارند در آن‌ها حضور فیزیکی داشته باشند. البته هدف از دسترسی فیزیکی به مکان، دستیابی به فعالیت‌های درون آن است (Madanipour, 2008, p. 136).
- * عرصه‌های عمومی شهری تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در برمی‌گیرد. بنابراین، این مکان‌ها از خیابان‌ها، پارک‌ها و چهارراه‌ها تا ساختمان‌های محصورکننده آن‌ها را شامل می‌شود (Tibbalds, 2002, p. 15).
- * «فضای عمومی» و «فضا برای عموم» مفاهیمی متفاوت‌اند. منظور از «عمومی»، جمهور یا جمع شهروندان با قابلیت تعامل و گفتمان اجتماعی است (www.urbatecture.blogspot.com).

بنابراین، مشخص می‌گردد که فضاهای عمومی شهری^۲ با حضور انسان و فعالیت او معنا می‌یابد و بیشتر از آن که دارای نقشی کالبدی باشند به دلیل ایجاد تعامل اجتماعی^۳ میان شهروندان واجد اهمیت هستند. در هر حال، از «عمومی بودن فضا، باز بودن آن و برقراری تعاملات اجتماعی» (Pakzad, 2005, p. V) به عنوان سه شاخص اصلی فضاهای شهری می‌توان نام برد. عوامل گوناگونی در کیفیت بخشی به فضاهای شهری مؤثرند که البته بسته به ادراک افراد و ارزش‌های

فرهنگی مختلف با یکدیگر متفاوت است. در هر حال، بر اساس یکی از جدیدترین نظرسنجی‌های انجام گرفته در این رابطه در سطح دنیا مشخص گردید که مواردی چون امنیت، حمل و نقل و پاکیزگی از بیشترین و عواملی مانند حفاظت و نگهداری فیزیکی از کمترین ارزش نزد استفاده‌کنندگان فضاهای عمومی برخوردار می‌باشند. (نمودار ۱) در همین زمینه، "مطالعه بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان نشان داد که چهار عامل اساسی؛ دسترسی و به هم پیوستگی، آسایش و منظر، استفاده‌ها و فعالیت‌ها و اجتماع‌پذیری در سنجش مطلوبیت کیفیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند" (www.pps.org).

نمودار ۱: نسبت عوامل مهم در کیفیت فضای عمومی شهری



(www.odpm.gov.uk)

فضاهای عمومی باید پاسخ‌دهنده باشند. این بدان معناست که باید طراحی و مدیریت شوند تا نیازهای کاربران را برآورده نمایند. کار^۴ و همکارانش پنج نیاز اصلی را که مردم درصدد هستند تا در فضای عمومی ارضاء نمایند، مشخص کرده‌اند: "راحتی^۵، استراحت^۶، حضور غیرفعال در محیط^۷، حضور فعال در محیط^۸ و مکاشفه^۹." مکان‌های خوب به بیش از یک هدف کمک می‌کنند" (Carmona et al., 2003, p. 165). در جدول ۱، به مجموعه‌ای از ویژگی‌های کلیدی برای مکان‌های شهری موفق اشاره گردیده و برای هر یک دو گروه معیار شامل موارد غیرآشکار و موارد قابل اندازه‌گیری ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های کلیدی مکان‌های موفق

ویژگی‌های کلیدی	موارد غیرآشکار	موارد قابل اندازه‌گیری
راحتی و سیما	قابلیت نشستن، قابلیت پیاده‌روی سبزیگی، پاکیزگی	ایمنی، دل‌پذیری، تاریخچه، جذابیت، معنویت
دسترسی و ارتباط	همجواری، ارتباط داشتن، راحت بودن، قابلیت دسترسی	داده ترافیک، سهم گونه‌های حمل و نقل، استفاده حمل و نقل عمومی، فعالیت پیاده، الگوهای استفاده پارکینگ
کاربری‌ها و فعالیت	فعالیت، مفید بودن، برگزاری جشن، سرزندگی، بومی بودن، کیفیت "پرورش خانگی"	ارزش‌های زمین، ترازهای اجاره‌بها، الگوهای کاربری زمین، میزان فروش خرده‌فروش‌ها، مالکیت شغلی محلی
جامعه‌پذیری	شایعات بی‌اساس، تنوع، قصه‌گویی، دوستی، تعامل داشتن	زندگی خیابانی، شبکه‌های اجتماعی، استفاده بعدازظهر، داوطلب‌گرایی، شمار زنان، بچه‌ها و سالمندان

(Carmona et al., 2003, p. 100)

۳. کودک و ویژگی‌های رفتاری او

طبق تعریف فرهنگ معین، «کودک» به معنای «کوچک»، «صغیر»، «فرزندى که به حد بلوغ نرسیده (پسر یا دختر)» و یا «طفل» آورده شده است (Moien, 1983, p. 3117 in Shieh, 2007). در فرهنگ میراث آمریکایی نیز از «کودک» به عنوان شخصی که بین تولد تا دوران بلوغ قرار دارد، یاد شده است (p. 155 in Shieh, 2007 American Heritage, 2001). از طرفی، طبق تعاریف حقوقی جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. لازم به ذکر است که قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ مصوبه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، سن بلوغ را برای پسران پانزده و برای دختران نه سال قمری تعیین کرده است (Mansour, 1998, p. 312 in Shieh, 2007). این در حالی است که در ماده یک اعلامیه جهانی حقوق کودک، «کودک» را کسی می‌داند که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد، مگر آن که قوانین ملی کشور سن بلوغ را کمتر از آن تشخیص دهد (Unesco Message, 1992, p. 40 in Shieh, 2007). با توجه به شرایط کودک، عواملی که می‌توانند بر رشد او مؤثر واقع شود، در سه مرحله قابل تشخیص هستند که در دو مرحله اول خارج از اختیار و مرحله سوم در اختیار انسان است. مرحله اول؛ شامل وراثت، مرحله دوم؛ شامل محیط و کلیه مقتضیات آن و مرحله سوم؛ شرایط خود فرد به عنوان عامل تصمیم‌گیرنده است. در دوران کودکی دگرگونی‌پندار و رفتار انسان سریع و تغییر رفتار او سهل‌تر است. کودک کنجکاو و مقلد است و به راحتی می‌توان او را در مسیر مورد نظر رهنمون ساخت (Moayeri, 2001, p. 154). همچنین، انسان در طول زندگانی خود، در سه حالت؛ طبیعی (خارج از اراده خود)، اکتسابی و متعالی (ریشه در اختیار آدمی) رشد می‌یابد. دوران کودکی آماده‌ترین زمینه برای رشد اکتسابی و فراگیری آموزش و نظارت^{۱۰} اجتماعی، مقررات اخلاقی و رشد اجتماعی است (Hasan Beiglou, 2001, pp. 7-9). کودک در هفت سال اول زندگی؛ فکرش نارس و جسمش ناتوان است. در سنین ۳-۵ سالگی، مدت دقت و توجهش کوتاه و محدود است و در سنین ۳-۷ سالگی قدرت تجزیه و تحلیل و درک حرف‌های سنگین را ندارد. در هفت سال دوم زندگی؛ تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدید می‌آید، جسمش قوی شده و درکش رشد می‌کند، او می‌تواند افکار و سخنان بزرگسالان را بفهمد و تا حدودی چرایی آن‌ها را درک کند. بروز چنین ویژگی‌هایی این دوران را به یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی در راستای شکل‌گیری شخصیت و آینده‌ی شخص تبدیل می‌کند. در هفت سال سوم؛ که از پانزده سالگی آغاز می‌شود و تحولات چشم‌گیری در جسم و جانش پدید می‌آید، او دیگر مانند هفت سال دوم زندگی پدر و مادر نیست. در واقع از ۱۵ سالگی به بعد است که او آرمان‌ها و ایده‌های عالی را دنبال می‌کند و دارای هدف شخصی و اجتماعی است (Jafari nia, 2011, pp. 100-103). در جدول ۲، ویژگی‌ها و توانایی‌های کودکان در دوره‌های سنی مختلف به تفکیک ذکر شده است.

جدول ۲: ویژگی‌ها و توانایی‌های کودکان در دوره‌های سنی مختلف

دوره سنی	ویژگی‌ها و توانایی‌ها
۱-۲ سال	پر جنب و جوش، توجهات کوتاه و مقطعی، ناتوان، عدم قدرت در تجزیه و تحلیل مسائل سنگین.
۳-۴ سال	حس همکاری، حس مالکیت، تسلط به حالات احساسی و فیزیکی، خیال‌پردازی، شناسایی رنگ‌ها، قدرت در ترسیم خطوط، دارای قدرت استدلال، حساس، ستیزه‌جو، دارای اعتمادبه‌نفس، فعال.
۵-۶ سال	آرام، جدی، واقع‌گرا، متفکر، مصمم در انجام کار، مطیع، انعطاف‌پذیر، عصبی و مضطرب، پافشاری در امور، کند اما هدفمند.
۷-۸ سال	دقیق، خستگی‌ناپذیر، تحلیل‌گر، آگاه به وظایف، منظم، مسلط، با دیگران تفاهم دارد، مسئولیت‌پذیر، سرعت عمل در کارها، آمادگی در انجام امور، بحث را دوست دارد، دوستدار کسب تجربیات جدید، بیشترین مشارکت را دارد، قدرتمند در ترسیم مناظر.
۹-۱۱ سال	توانمند در ترسیم طبیعت بی‌جان، صادق، مستقل، استدلال‌گر، قابل‌اعتماد، مصمم، معقول، متعادل، درک روابط منطقی، دارای روحیه تصمیم‌گیری، مطلع از شخصیت خود، افزایش مسئولیت‌پذیری، قدرتمند در برنامه‌ریزی امور، از فعالیت‌های جنبی لذت می‌برد.
۱۲-۱۸ سال	هم‌خواستار استقلال هم‌طالب وابستگی، انتقادگر، آرمان‌گرا، خواستار هدفی خاص، فعال در رسیدن به اهداف، علاقه‌مند به گروه‌های اجتماعی، دوستدار فعالیت‌های جمعی، علاقه‌مند به کسب مقام یا رتبه میان همسالان.

(Jafari nia, 2011, pp. 30 -172)

نظر به اهداف این پژوهش، تعاریف، ویژگی‌های رفتاری و توانایی‌های برشمرده برای کودکان در دوره‌های سنی مختلف، گروه سنی انتخابی در تحقیق حاضر، کودکان بین ۷ تا ۱۱ سال تمام تعریف شده است. زیرا کودک در این سن به لحاظ

توانایی‌های جسمی و ذهنی، قابلیت پذیرش و یادگیری مهارت‌های زندگی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوق شهروندی را دارد. در این بازه سنی است که کودک آمادگی و توانایی فعالیت‌های مشارکتی را به دست آورده، به خوبی می‌تواند در حیطه‌های مربوط به خود و محیط پیرامونی‌اش مشارکت جوید و از این رهگذر آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم را بیاموزد. زیرا این فعالیت‌ها موجب شکل‌گیری اندیشه او، نهادینه شدن ارزش‌های کسب‌شده و به‌کارگیری صحیح آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های آتی می‌شود. قابل‌ذکر است که کودک پیش از این بازه سنی به دلیل عدم تکامل قدرت تحلیل، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم جهت همکاری در راستای اهداف این پژوهش را ندارد و پس از این دوره نیز به سبب شکل‌گیری کامل اندیشه، ایجاد تغییر در دیدگاه‌های اجتماعی وی امری دشوار خواهد بود.

۴. اهمیت و روش‌های مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری

بحث دخیل کردن کودکان در فرآیند طراحی فضای شهری برای اولین بار به دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد. آغازگر این مباحث «کوبین لینچ» بود که نظریات خود را در باب برداشت الگوهای رفتاری کودکان نسبت به فضای شهری در یونیسیف مطرح کرد. پروژه «رشد یافتن در شهرها» که توسط یونسکو بنیان گذاشته شده و توسط «لینچ» سرپرستی می‌شد، شامل پژوهش در چهار کشور بود (Moffat, 2002, p. 46). به عقیده لینچ کودکان بیش از آن که در مدرسه بیاموزند در بیرون از مدرسه و در جامعه می‌آموزند. از دید او، این نوع آموزش در شهرهای ما در حال گم شدن است (Lynch, 1980, pp. 9-12). در سال ۱۹۹۴ روانشناس محیطی، «لوئیس چاولا»^{۱۱}، به منظور دستیابی به اهداف برآورده نشده خود، به فکر استفاده دوباره از کار پژوهشی لینچ افتاد. اهداف او، توسعه طراحی شهری از طریق پروژه‌های مشارکتی با کودکان، برای آشنا کردن سیاست ملی و محلی به لزوم توجه به نیازهای کودکان در شهرها بود. لذا بار دیگر در ماه می ۲۰۰۲، با حمایت اولیه سازمان یونسکو، پروژه «رشد یافتن در شهرها»، احیاشده و به مطالعه کیفیات شهری و اولویت‌های کودکان برای تغییر، در بیش از دوازده کشور پرداخت. از این زمان به بعد، ویژگی کلیدی تلاش‌های صورت گرفته سعی برای تمرکز فعالیت تحقیقات بر ایجاد شبکه‌های اجتماعی مشارکتی و ائتلاف سیاسی برای در کانون توجه قرار دادن نیازهای کودکان بود. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های «رشد یافتن در شهرها» آن است که این پروژه پژوهشی مستقل بوده و به عنوان بخشی از مطالعات تخصصی مرتبط با برنامه‌ریزی شهرهای دوستدار کودک به شمار نمی‌رود (Moffat, 2002, pp. 46-49). «دیوید دریسکل»^{۱۲} در توصیف ویژگی‌های شهر به عنوان محل خوبی برای کودکان، فهرستی از شاخص‌های یک مکان خوب بر مبنای ارزیابی کودکان از جوامع محلی خود ارائه می‌دهد که همبستگی اجتماعی، تنوع مکان‌های پرجاذبه برای فعالیت، امنیت و آزادی تحرک، مکان‌های ملاقات افراد هم سن و سال، هویت اجتماعی منسجم و محدوده‌های سبز از جمله این شاخص‌های فضایی هستند (Driskel, 2008, pp. 16-18). «دموند بیکن»^{۱۳} ایده «محیط نهی‌کننده» را در تقابل با «محیط تسهیل‌کننده» ارائه کرد و نشان داد که تعادل بین این دو چگونه ممکن است در واکنش فرد در برابر نقاط عطف مختلف در زندگی او تأثیر گذارد. به بیان ساده‌تر، اگر در محیط کودک، عناصر نهی‌کننده بیش از حد باشد، ممکن است سیر رشد او را تحت تأثیر قرار دهد. و عناصر «محیط نهی‌کننده» و «محیط تسهیل‌کننده» در دوران بلوغ و بزرگسالی هم همچنان حاکم بر زندگی فرد خواهند بود (Bacon, 2007, pp. 46-48). از نظر «جین جیکوبز»^{۱۴} امنیت به ویژه برای زنان و کودکان از «حضور نگاه‌ها در خیابان» منتج می‌شود. نوعی نظارت فعال واحدهای همسایگی در فضای جمعی که تجربه طراحی مدرن در شیوه لوکوربوزیه، با اصرار بر توسعه بلوک‌های بزرگ و آسمان‌خراش‌ها، آن را به مرز نابودی کشانده است. به بیان وی، ویژگی زیربنایی هر محله شهری موفق آن است که فرد در میان همه این غریبه‌ها احساس امنیت کند. (T. LeGates & Stout, 2003, pp. 107-111). جیکوبز بر این باور است که در اجتماع شهری و در پیوند بین خانه و مدرسه، مهم‌ترین علائق کودکان به ایمنی خیابان، تنوع کاربری‌های زمین، شادابی و سرزندگی شهر بازمی‌گردد که کلید اصلی رفع نگرانی‌های اساسی تمام جمعیت و از جمله کودکان است (Derek, 1997, p. 60). آزادی کودکان به منظور کشف و بازدید و ارضای حس کنجکاوی در مورد فضای شهری، به صورت انفرادی یا جمعی، تا اندازه قابل توجهی به امن بودن خیابان و اماکن عمومی بستگی دارد. خیابان‌های نامأنوس و محصور در رفت‌وآمد سواره، از دسترسی کودکان به دنیا جلوگیری می‌کنند (Shieh, 2000; Jacobs, 2000, pp. 106-112). «برندان گلیسون»^{۱۵} و «نیل سایپ»^{۱۶} در کتاب خود، «خلق شهرهای دوستدار کودک»، به بیان مباحثی در زمینه کودکان در محیط شهری، برنامه‌ریزی برای شهر بهتر با کودکان و نوجوانان و توجه دوباره به کودکان در شهرها پرداخته‌اند. در این کتاب آمده است: "به صرفه‌تر آن است که کودکان را در طراحی دخیل کنیم. کودکان عموماً در جوامعی که تحت سلطه بزرگسالان است، سرکوب می‌شوند". بنابراین همکاری کودکان در طراحی و سعی در مشارکت فعال کودکان در مسائلی که به آن‌ها مربوط است و گوش دادن به دیدگاه‌های آن‌ها و استفاده از نظراتشان در فرآیند تصمیم‌گیری یکی از دیدگاه‌های اصلی شهر دوستدار کودک ذکر شده است (Gleeson & Sipe, 2006, pp. 7-9).

همچنین، «آرزا چرچمن»^{۱۷} و «رابرت ب. بچتل»^{۱۸} در کتاب خود، «کتاب مرجع روانشناسی محیطی»، در این رابطه به نکاتی از جمله برنامه‌ریزی‌های معمارانه مبتنی بر الگوهای رفتاری، محیط کودکان، روش‌شناسی طراحی مشارکتی

و مشارکت پایدار اشاره کرده‌اند (Churchman & B.Bechtel, 2002, pp. ix-x). «باری پرسی-اسمیت^{۱۹}» و «نایجل توماس^{۲۰}» در «کتاب مرجع مشارکت کودکان و نوجوانان»، به شش گام کاربردی برای افزایش میزان مشارکت کودکان و نوجوانان در آینده شامل؛ حمایت از ایجاد مشارکت ریشه‌ای، فراتر بردن تعبیر مشارکت از مفهوم «فقط یک گفته» در تصمیم‌سازی‌ها، ایجاد ظرفیت برای مشارکت از طریق افراد و جوامع به عنوان شهروندان فعال، مبارزه با تبعیض بزرگسالان و شکل‌گیری نامطلوب دوران کودکی، تمرکز بر نقش بزرگسالان و کیفیت روابط بین کودکان و بزرگسالان، اجرای یک چارچوب حقوق شهروندی و دخیل کردن کودکان اشاره کرده‌اند (Percy-Smith & Thomas, 2010, pp. 5-7). «آلیسون کلارک^{۲۱}» به توصیف روش‌هایی برای به حداکثر رساندن تعاملات با کودکان برای دریافت دیدگاه‌های آنان درباره معماری و طراحی جزء فضاهای فضای شهری پرداخته است. تاکید او بر استفاده از روش‌های ترکیبی شامل ابزار سنتی مشاهده و مصاحبه و نیز استفاده از روش‌های مشارکتی با کودکان است (Dudek, 2005, p. 12). در ارتباط با نمونه‌های بارز فعالیت در زمینه طراحی فضاهای شهری در تعامل با کودکان در ایران می‌توان به مصوبه جلسه ۱۹۱ شورای اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۸۸ تحت عنوان «شهر دوستدار کودک» اشاره نمود. بر اساس این مصوبه شهرداری تهران موظف است در جهت تحقق پروژه مزبور علاوه بر ارتقاء شرایط زیست‌محیطی عمومی، به فعالیت‌هایی چون؛ ساماندهی فضاهای عمومی و استانداردسازی مبلمان شهری به ویژه وسایل خاص کودکان، ایمن‌سازی پیاده‌روهای شهری برای کودکان، اجرای پروژه‌های فرهنگی-اجتماعی از جمله ایجاد سرای کودک، اجرای پروژه‌های شهرسازی و معماری جهت تأمین فضای بازی برای کودکان در مجتمع‌های مسکونی، ایجاد انگیزه جهت مشارکت‌های اجتماعی و مردمی جهت حمایت از کودکان بپردازد. (Third City Council of Tehran Approval, 2009, pp. 2-5).

گرچه مصوبه مذکور به عنوان اولین گام در لحاظ نمودن حقوق کودکان در شهر ارزشمند است اما نکته قابل توجه، عدم پیش‌بینی تعامل و جلب مشارکت کودکان جهت طراحی فضاها و تسهیلات شهری و پیشنهاد فرآیندی از بالا به پایین توسط بزرگسالان در این ارتباط است. با توجه به موارد فوق، مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های صاحب‌نظران گوناگون در جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهش به طور خلاصه جمع‌بندی و ارائه شده است. (جدول ۳ و ۴)

جدول ۳: مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های صاحب‌نظران در رابطه با ضرورت مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری

ضرورت دخیل کردن کودکان در طراحی فضای شهری در چیست؟	نظریات																					
	اندیشمندان کوبن لینچ	لوتیس چاولا	دیوید دریسکل	ادموند بیکن	جین جیکوبز	پرسی و توماس	گلیسون و سایپ	آمواختن مشاهده صحیح	گشودن راه خلاقیت	توسعه طراحی شهری	مطالعه اولویت‌های کودکان	تعبیر کانون برنامه‌ریزی	ارتقا حس مسئولیت‌پذیری	تخریب مردم‌سالاری	نزدیکی به هدف طراحی	ارتقا حس تعلق	ارتقا سرزندگی	نمایاندن علائق کودکان	شرکت در مسائل تأثیرگذار	استقلال فکری	نهادینگی و توسعه پایدار	

جدول ۴: مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های صاحب‌نظران در رابطه با چگونگی مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری

اندرشمندان	نظریات								چگونه می‌توان کودکان را در فرآیند طراحی فضای شهری دخیل کرد؟	
	ایجاد زیرساخت اجتماعی	پروژه‌های طراحی مشارکتی	برداشت الگوهای رفتاری	نقاشی و تولید نقشه	مشاهده رسمی و غیررسمی	عکاسی کودکان از محله	کارگاه‌های گروهی	هدایت پیاده‌روی توصیفی		مصاحبه
کوبین لینچ										
یونسکو و چاولا										
دریسکل										
جیکوبز										
پرسی و توماس										
گلیسون و سایپ										
کلارک										
بچتل و چرچمن										

بررسی تطبیقی، امکان دستیابی به نقاط مشترک و برآیند نظرات مطرح‌شده از سوی اندیشمندان را برای رسیدن به چارچوبی نظری فراهم می‌آورد. این بررسی نشان می‌دهد که نمایاندن علایق کودکان در طرح، تغییر کانون برنامه‌ریزی و شرکت کودکان در مسائل تأثیرگذار بر آن‌ها از دلایل ضرورت دخیل کردن کودکان در فرآیند طراحی و ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی، پروژه‌های طراحی مشارکتی، نقاشی و تولید نقشه، مصاحبه و مشاهده از مهم‌ترین روش‌های این مشارکت است. همچنین، استفاده از بداهه‌سازی برای تحلیل نقاشی کودکان امکان مقایسه دیدگاه‌های واقعی کودکان را با برآیند نظریات صاحب‌نظران که از مقایسه تطبیقی به دست آمده، فراهم خواهد آورد.

۵. ارزیابی ایده‌های کودکان ساکن محله نظامیه در طراحی فضای شهری

در راستای تجربه عینی دخیل کردن کودکان در فرآیند طراحی فضای شهری، محله نظامیه واقع در ناحیه ۶ منطقه ۱۲ تهران، حد فاصل خیابان‌های شهید مصطفی خمینی، امیرکبیر، سعدی و جمهوری اسلامی به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شد. در این محله یک جامعه آماری ۵۰ نفری از کودکان ساکن بین ۷ تا ۱۱ سال تمام که نیمی از آنان دختر و نیمی دیگر پسر بودند، به روش کاملاً تصادفی انتخاب گردید. سپس از این گروه خواسته شد که عوامل مطلوب موجود در فضاهای شهری محل زندگی خود را که خواستار حفظ همیشگی آن‌ها هستند، به وسیله نقاشی بیان نمایند. (تصویر ۱)

تصویر ۱: نمونه‌هایی از نقاشی کودکان در نمونه مطالعاتی بیانگر عوامل مطلوبیت فضا از نظر آنان



با توجه به روش‌های گوناگون اشاره‌شده توسط صاحب‌نظران در رابطه با مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری و در جهت دستیابی به بهترین نتایج کاربردی، روشی ترکیبی مشتمل بر ثبت نقاشی‌های کودکان به همراه مصاحبه و مشاهده

غیررسمی مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب که نقاشی‌های کودکان با تکنیک «بداهه‌سازی» و با بهره‌گیری از نظریات «ماکس لوشر^{۲۲}»، «آنا اولیوریو فراری^{۲۳}» و «توماس گلین^{۲۴}» و نیز بر اساس اظهارات کودکان در مصاحبه غیررسمی، از دو نقطه نظر «چارچوب» شامل؛ خطوط، فضا و رنگ که نشانگر خصوصیات عمومی شخصیت کودک هستند و «محتوا» شامل؛ ارزش‌گذاری‌ها و بیان نگرش کودک از طریق تنظیم فاصله عناصر، محل استقرار و اندازه موضوع در صفحه، توسط کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی ارزیابی شد. (جدول ۵)

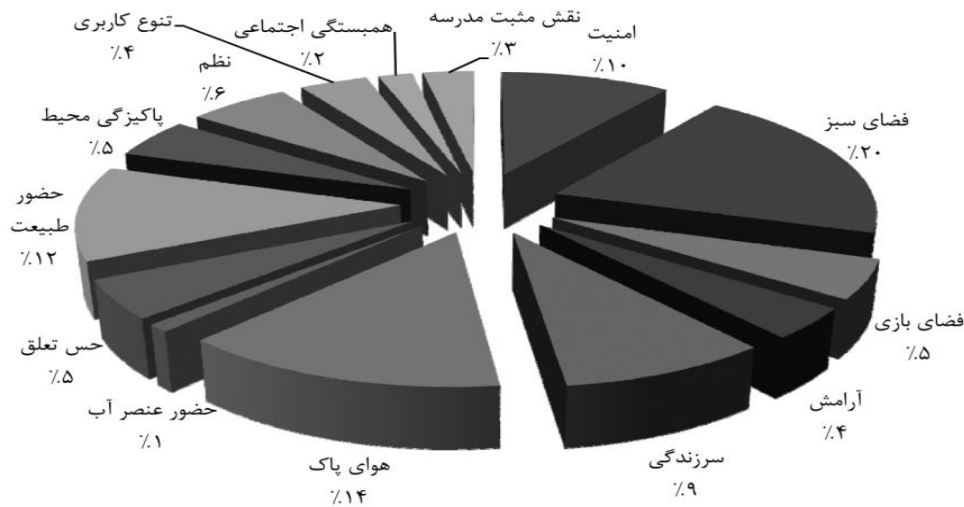
جدول ۵: مفاهیم مورد استفاده در تحلیل نقاشی کودکان

نقشه	قرمز	پرنیرو و مصمم، گرم، منبسط، زنده	زرد	بیانگر هیجان و ناراحتی، سبک و سطحی
	آبی	دور شونده، سوق به بی‌نهایت	سیاه	عدم، نیستی
	سفید	نماد جوانی، القاکننده سکوت	سبز	آرام‌بخش، ساکن، رضایت‌بخش
	بنفش	سست، ناپایدار	نارنجی	زنده، چابک
نقشه	آدم	ویژگی‌های شخصیتی کودک و تصور وی از خود		
	خواب و رویا	تمایلات و یا ترس‌های کودک		
	خانه	نگرش به محل زندگی (تحت تأثیر محیط اجتماعی-فرهنگی)		
	کوچه	توانایی برقراری ارتباط، نماد گریز، غنا یا کمبود عاطفی		
	درخت	شخصیت کودک		
	خورشید	امنیت، قدرت، گرما، خوشحالی		
	آسمان	پاکی و الهام		
	زمین	ثبات و امنیت		
	اتومبیل	قدرت (به ویژه پسران)، وابستگی به دنیای خارج		

Oliverio Ferraris, 2009, pp. 103-151

نتیجه تحلیل‌های انجام‌گرفته تحت عنوان عوامل مطلوبیت فضاهای شهری از دید کودکان در نمودار ۲ ارائه‌شده که مواردی چون؛ فضای سبز، هوای پاک، حضور طبیعت، امنیت، سرزندگی، نظم، پاکیزگی محیط، فضای بازی، حس تعلق، آرامش، تنوع کاربری، نقش مدرسه، همبستگی اجتماعی و حضور آب را شامل می‌شود. علت استفاده از روش بداهه‌سازی، بیان کاملاً آزاد و به دور از قید و بند احساسات درونی از سوی کودکان است. زیرا کودک با داشتن آگاهی از مقاصد آزمون گیرنده به پنهان‌سازی نظرات خود می‌پردازد. این پژوهش در حیطه یک تحقیق توصیفی-تحلیلی، به تبیین نظام‌مند وضعیت فعلی پرداخته و دارای جنبه کاربردی است که نتایج آن می‌تواند در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی جهت توسعه و طراحی آتی محدوده مطالعه شده، مورد استفاده قرار گیرد.

نمودار ۲: عوامل مطلوبیت فضاهای شهری از دیدگاه کودکان



۶. نتیجه گیری

فضاهای شهری به عنوان قلمروهای عمومی و کانون عمل طراحی شهری تنها با حضور انسان معنا می یابند. در سه دهه اخیر، بر ضرورت مشارکت کودکان به ویژه در سنین ۷-۱۱ سال به دلیل خصوصیات رفتاری و توانایی های آنان در طراحی فضاهای شهری بیش از پیش تاکید شده و در این ارتباط به روش های گوناگونی چون ایجاد زیرساخت های اجتماعی، نقاشی و تولید نقشه، مصاحبه و کارگاه های گروهی اشاره شده است. نتایج حاصل از یک مطالعه میدانی در میان کودکان محله نظامیه تهران که مبتنی بر نقاشی و مصاحبه غیررسمی انجام و با روش بداهه سازی تحلیل شد، نشان داد که عمده ترین معیارهای کودکان برای فضاهای شهری مطلوب که عواملی چون؛ «فضای سبز کافی و حضور طبیعت»، «هوای پاک»، «امنیت» و «سازندگی» را در بر می گیرند، نه تنها مواردی متفاوت و خارج از انتظار نمی باشند بلکه کودکان به دلیل روحیه لطیف و صادقانه خویش، بر لزوم ارتباط هرچه بیشتر با طبیعت و انسان مداری در فضاهای شهری تاکید نموده و دیدگاه های آنان تا حد بسیار زیادی همسو و تأییدکننده معیارهای مطرح شده از سوی صاحب نظران است.

1. Public Realm
2. Urban Public Spaces
3. Social interaction.
4. Carr
5. Comfort
6. Relaxation
7. Passive Engagement with the Environment
8. Active Engagement with the Environment
9. Discovery
10. Control
11. Louise Chawla
12. David Driskell
13. Edmund N. Bacon
14. Jane Jacobs
15. Brandan Gleeson
16. Neil Sipe
17. Arza Churchman
18. Robert B. Bechtel
19. Barry Percy-Smith
20. Nigel Thomas
21. Alison Clark
22. Max Lousier
23. Anna Olivier. U. Ferrari
24. Thomas Glyn

References

- Bacon, E. (2007). *Design of Cities*. (F. Taheri Trans.), Tehran: Study and Research Center of Architecture and Urban Studies of Iran.
- Carmona, M. & Heath, T. & Oc, T. & Tiesdell, S. (2003). *Public Places Urban Spaces*, Amsterdam et al., Architectural Press.
- Churchman, A. & B. Bechtel, R. (2002). *Handbook of Environmental Psychology*, New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Derek, S. (1997). *Planning out Of Crime in Britain in: Making Cities Livable*, California: L.S.H crowhurst, et al. Eds.
- Driskel, D. (2008). *Creating better Cities with Children and Teenagers; A guidness for Participation and Participating Research*. (M. Tavakoli & N. Saiedi Rezvani Trans.), Tehran: Dibayeh.
- Dudek, M. (2005). *Children's Spaces*, Oxford.
- Fadavi, M. & Hashemi, N. (2009). *Evaluation of Worker Children's Painting*, Negareh, 12, 107-117.
- Gleeson, B. & Sipe, N. (2006). *Creating Child Friendly Cities Reinstating Kids in the City*, New York: Routledge.
- Hasan Beiglou, B. (2001). *Growth Psychology*, Tehran: Saramad Kavosh.
- Jafari nia, M. (2011.) *My Child Is Growing Up*, Qom: Ahghaf.
- Lynch, K. (1980). *What Makes A Good City? General Theory of Good City Form; a New Try at an Old Subject*, Holst-lezing, 9-12.
- Madanipour, A. (2008). *Public and Private Spaces of the City*. (F. Nourian Trans.) Tehran: GIS.
- Moayeri, M. (2001). *Training and Nurturing Issues*, Tehran: Amirkabir.
- Moffat, D. (2002). *Growing up in Cities*, EDRA/ Places award, 46-49.
- Oliverio Ferraris, A. (2009). *Children's Paintings and Their Meanings*. (A. Sarrafan, Trans.), Tehran: Dastan.
- Pakzad, J. (2005). *Design Guideline of Urban Spaces in Iran*, Tehran: Payam Sima Design & Publish Co.
- Percy-Smith, B. & Thomas, N. (2010). *A Handbook of Children and Young People's Participation Perspectives from Theory and Practice*, London: Routledge.

- Shieh, E. (2007). *Preparing the City for Children*, Tehran: Shahr.
- T. LeGates, R. & Stout, F. (2003). *The City Reader*, London: Routledge.
- Third City Council of Tehran Approval. (2009). *Child Friendly City*, Tehran, 2-5.
- Tibbalds, F. (2002). *Making People-Friendly Towns; Improving the Public Environment In Towns And Cities*. (M. Ahmadi-zhad, Trans.) Esfahan: Khak.
- <http://www.urbatecture.blogspot.com> [Accessed 14 August 2006]
- <http://www.odpm.gov.uk> [Accessed 02 July 2006]
- <http://www.pps.org> [Accessed 08 September 2007]

Archive of SID